



# درباره

# ادبیات شفاهی

## افسانه‌های تمثیلی (حیوانات)

محمد جعفری (قنواتی)

افسانه‌های تمثیلی (حیوانات)، از قدیمی‌ترین، رایج‌ترین و مهم‌ترین گونه‌های افسانه‌های شفاهی هستند که در میان اقوام و ملت‌های متفاوت وجود دارند. به رغم چنین ویژگی‌هایی، هنوز در میان افسانه پژوهان، تعریف واحدی درباره این گونه از افسانه‌ها وجود ندارد. این موضوع حتی شامل نام گذاری این افسانه‌ها نیز می‌شود. فی‌المثل، برخی، آن‌ها را افسانه‌های حیوانات، بعضی افسانه‌های تمثیلی و برخی نیز افسانه - مثل می‌نامند. این مشکلات پیش و بیش از هر چیز، به عناصر، شخصیت‌ها و مؤلفه‌های این افسانه‌ها مربوط می‌شود. همان گونه که دیگران نیز گفته‌اند، در این افسانه‌ها، علاوه بر حیوانات، شخصیت‌ها و عناصر دیگری مانند انسان، گیاه و موجودات بی‌جان نیز حضور دارند. بر این اساس، نام گذاری آن‌ها به افسانه‌های حیوانات نمی‌تواند چندان دقیق باشد. در حقیقت، وجود گیاهان و موجودات بی‌جان و نیز انسان‌ها در آن‌ها، این نام گذاری را با اشکال توأم می‌سازد و جامعیت آن را نقض می‌کند.

البته از آن‌چه گفته شد، نباید چنین نتیجه گرفت که درباره این افسانه‌ها کم‌تر پژوهش صورت گرفته است. از قضا به دلیل توجه فراوان شاعران و نویسندگان کلاسیک به این گونه خاص، مطالعات فراوانی درباره آن‌ها انجام گرفته است. وجه متمایز این افسانه‌ها از سایر افسانه‌ها چیست؟ آیا می‌توان بر اساس شخصیت‌های شان، آن‌ها را تویب کنیم یا باید به شاخص‌های دیگری توسل جویم؟

البته با استناد به وجود حیوانات، نمی‌توان آن افسانه‌ها را در ردیف «افسانه‌های حیوانات» قرار داد. همانگونه که در تعریف افسانه‌های سحرآمیز و عاشقانه<sup>۱</sup> به کارکرد سحر و عشق استناد کردیم، در این جا نیز باید به کاربرد ویژه این افسانه‌ها توجه

به نظر می‌رسد آن‌چه در مورد تنوع شخصیت‌ها و عناصر این افسانه‌ها گفتیم، محدودیت چنین شاخصی را برای تعریف این افسانه‌ها روشن می‌کند، اما علاوه بر این محدودیت، باید گفت که در سایر انواع افسانه‌ها، به ویژه افسانه‌های سحرآمیز نیز حیوانات وجود دارند.

ندارد... مثل تشبیه مرد به شیر در شجاعت... و دیگر تشبیه تمثیل که وجه شبه در آن امری ظاهر و آشکار نیست و بر روی هم نیاز به تأویل دارد و باید از ظاهر امر گردانده شود»<sup>۵</sup>

بنابراین، چون «افسانه‌های حیوانات» از یک سو، مبتنی بر پند و حکمت است و از سوی دیگر، این پند و حکمت به صورت تمثیل بیان می‌شود، پس، چنین به نظر می‌آید که نامیدن آن‌ها به «افسانه‌های تمثیلی»، توأم با دقت بیش‌تری خواهد بود.<sup>۶</sup>

با این توضیح، می‌توان چنین افسانه‌هایی را معادل «fabel» انگلیسی محسوب کرد. بر این اساس، بنده از میان تعریف‌های متفاوتی که در کتاب‌های فارسی آمده است، تعریف استاد پورنامداریان را با واقعیت این افسانه‌ها، توأم با دقت بیش‌تری می‌بیند: «فابل fabel در اصل و به مفهوم کلی به هر داستان خیالی یا بیان توصیفی گفته می‌شود. در مفهوم جدید و دقیق‌تر، عبارت است از حکایتی [افسانه‌ای] کوتاه - چه به نظم و چه به نثر که به قصد انتقال یک درس اخلاقی یا سودمند گفته شده است. در این حکایت اخلاقی شخصیت‌ها اغلب حیواناتند، اما انشایی بی‌جان، انسان‌ها و خدایان نیز ممکن است در آن ظاهر گردند»<sup>۷</sup>

اگر چه منظور استاد از این تعریف، «حکایت‌های مکتوب» است، با اندکی تسامح می‌توان آن را به افسانه‌های شفاهی نیز تعمیم داد.

### موضوع افسانه‌های تمثیلی

موضوع اصلی این افسانه‌ها، به زندگی عملی و شیوه‌های حل مشکلات روزمره، یعنی به مقوله‌های دنیایی مربوط است؛ چگونه با دیگران ارتباط بگیریم؟ مناسبات خود را با همسایه‌ها بر چه اساسی استوار کنیم؟ با صاحبان قدرت چه نوع سلوکی داشته باشیم؟ در کسب معاش چه شیوه‌هایی پسندیده و

کنیم. این نوع افسانه‌ها ضمن آن که کاربردهای عمومی افسانه‌ها را دارند<sup>۸</sup>، اما نسبت به سایر گونه‌ها، جنبه تعلیمی و تربیتی آن‌ها برجسته‌تر و نمایان‌تر است. از همین رو، بنده عنوان «افسانه‌های تمثیلی» را که برخی از پژوهشگران به کار برده‌اند، برای آن‌ها دقیق‌تر می‌داند. به این کاربرد ویژه، در بسیاری از آثار ادبی ما نیز تأکید و تصریح شده است. محمد بن عبدالله البخاری، در مقدمه داستان‌های بید پای که ترجمه‌های دیگر از کلیله و دمنه است، علت ترجمه خود را چنین توضیح می‌دهد: «تا روزی (مالک عادل اتابک المظفری) خادم را پیش خویش خواند... و گفت که این کتاب کلیله و دمنه گنجی است پر حکم و مواظ و امثال و در هر حکایتی صد هزار در فواید و عواید مضمون است، بعضی از پیوستگان مجلس ما آرزو کرده‌اند که این کتاب به زبان پارسی نقل کرده شود... اگر روزی چند روی به این آوری، همانا که پند و حکمت این کتاب را نفع شامل‌تر می‌باشد.»<sup>۹</sup> (تأکید از نگارنده این سطور)

به این نکته، واعظ کاشفی نیز در ترجمه خود از کلیله و دمنه تأکید کرده است. سعد الدین وراوینی نیز در مقدمه مرزبان نامه که کتابی است از زبان حیوانات، بر جنبه تعلیمی و پندآموز آن تأکید می‌کند: «آنک کتاب مرزبان که از زبان حیوانات و عجم وضع کرده‌اند و در عجم ماعدای کلیله و دمنه کتابی دیگر مشحون به غرایب حکمت و محشور به رغایب عظمت و نصیحت مثل آن ساخته‌اند.»<sup>۱۰</sup> (تأکید از نگارنده)

برای این جنبه تعلیمی و تربیتی، از صورت تمثیل استفاده می‌شود. از لحاظ ادبی، تمثیل را یکی از انواع تشبیه دانسته‌اند ستاد پور نامداریان، به نقل از عبدالقاهر جرجانی، در این باره می‌نویسد: «در یک تقسیم‌بندی تشبیه به دو دسته تقسیم می‌شود: «تشبیه غیر تمثیل که در آن وجه شبه امری آشکار است و خود به خود روشن است و نیازی به تأویل

چه روش‌هایی ناپسندیده و مذموم است؟ دوست و دشمن را چگونه می‌توان از هم تشخیص داد؟ این‌ها و مقوله‌های دیگری از همین دست، بخش اصلی افسانه‌های تمثیلی را تشکیل می‌دهند: «موضوع‌هایی که مبتنی بر عقل معاش بوده و دنیایی محسوب می‌شوند.»<sup>۸</sup>

بنابراین، از اخلاق غیر دنیایی در آن‌ها سخنی به میان نمی‌آید. این وجوه، درباره آن دسته از افسانه‌های تمثیلی که مکتوب شده‌اند نیز صدق می‌کند. مؤلفین این گونه افسانه‌ها، بر چنین موضوعی در مقدمه کتاب‌های خود تأکید کرده‌اند. واعظ کاشفی با دقت در خور توجهی، در مقدمه تحریر خود از کلیله و دمنه، به موضوع این افسانه‌ها اشاره کرده و به دلیل همین دقت، آن را اگرچه مبسوط است، نقل می‌کنیم:

«و باید دانست که اساس کتاب کلیله و دمنه بر حکمت عملی است و حکمت عملی عبارت است از دانستن مصالح حرکات ارادی و افعال طبیعی نوع انسانی بر وجهی که مؤدی باشد به نظام احوال معاد و معاش و مقتضی رسیدن به کمال که متوجه آنند و این قسم از حکمت در تقسیم اولی به دو قسم مقسم شده: یکی آن که راجع باشد با هر نفسی علی‌الافتراد و دوم آن که راجع بود با هر گروهی بر سبیل مشارکت. اول را که رجوع او با هر نفسی به انفراد بود و شرکت دیگر با وی در آن باب متصور نباشد تذهیب اخلاقی گویند و ثانی که راجع است با جماعتی با مشارکت باز به دو قسم انقسام می‌پذیرد: یکی آن که مشارکت در منزل و خانه باشد و آن را تدبیر منازل خوانند و دیگر آن که مشارکت در شهر و ولایت بلکه در اقلیم و مملکت بود و آن را سیاست مدن گویند و کتاب مذکور (کلیله) مشتمل است از اقسام ثلثه مذکوره بر بعضی فواید از نوعین آخرین و آن چه تعلق به تذهیب اخلاق دارد در وی مذکور نیست.»<sup>۹</sup>

در این چار چوب، چند بن مایه بیش از هر چیز

دیگر جلب توجه می‌کند که از جمله این بن مایه‌ها می‌توان به مکر و حیله اشاره کرد که بسامد بسیار بالایی در این گونه افسانه‌ها دارد. البته باید در نظر داشت که مکر در این افسانه‌ها، فقط در برخی موارد، معنی منفی دارد و در بیش‌تر مواقع نوعی دوراندیشی، زیرکی و خرد ورزی محسوب می‌شود.

در بیش‌تر موارد، به ضعیفان و مظلومان استفاده از این حربه توصیه می‌شود. نتیجه کاربرد مکر توسط ضعیفان، پیروزی بر قدرتمندان است. بنابراین، در چنین مناسباتی مکر نه فقط مذموم نیست، بلکه «در اصل نوعی فضیلت به شمار می‌رود». آن چه ممکن است از نظر دیگران مکر و حیله به حساب آید، در این افسانه‌ها مفهومی منطبق با اندیشه می‌یابد؛ مانند حیله میمون در برخورد با لاک پشت که به او گفت دل خود را در خانه جای گذاشته است (کد ۹۱ در تیپ‌شناسی آرنه/ تامپسون). این افسانه در کلیله، مرزبان نامه و فوائد السلوک نیز آمده است. مکر خرگوش در مقابله با شیر و فریب دادن این حیوان، یکی از معروف‌ترین قصه‌های تمثیلی مکتوب است که در کلیله آمده، اما ظاهراً فقط از طریق مثنوی، از شهرت به‌سزایی برخوردار شده است.

کاربرد مکر و حیله در افسانه‌های تمثیلی، از چنان بسامدی برخوردار است که کم‌تر افسانه‌ای می‌توان سراغ گرفت که این بن مایه در آن طرح نشده باشد. این تکرار فراوان، از اهمیت عملی و کاربردی مکر در تاریخ و مناسبات اجتماعی بشر و به ویژه اهمیت آن در مقابله با صاحبان قدرت و زورمندان نشان دارد.

### خاستگاه افسانه‌های تمثیلی

درباره خاستگاه افسانه‌های تمثیلی و منشأ اصلی آن‌ها، میان صاحب نظران اختلافات چشمگیری وجود دارد. برخی یونان را خاستگاه این نوع افسانه‌ها می‌دانند و برای این نظر خود، به داستان‌های ازوپ<sup>۱۰</sup>

ست. این موضوع بیش از هر چیز، به کارکرد تعلیمی این گونه افسانه‌ها مربوط می‌شود. علاوه بر آن، به دلیل آن که راوی قصد تشبیه فعلی را به فعلی دیگر دارد یا موضوعی را به موضوعی دیگر تشبیه می‌کند، بنابراین کوتاه بودن افسانه الزامی می‌شود. شرح و تفصیل و طولانی بودن چنین افسانه‌هایی، عملاً آن‌ها را تا حدودی از کارکردهای شان دور می‌کند.

ویژگی دیگر این افسانه‌ها، آن است که معمولاً حوادث معدودی در آن‌ها روی می‌دهد. چنین افسانه‌هایی فاقد ایپیزودهای متعدد است. در این باره، افسانه‌های شفاهی تفاوتی با مشابه مکتوب خود دارند که در جای خود به آن اشاره خواهیم کرد. در همه داستان‌های تمثیلی مکتوب، از شیوه قصه در قصه استفاده شده است و از این رو، داستان اصلی تا حدودی به تفصیل گرایش می‌یابد.

ویژگی دیگر افسانه‌های تمثیلی، تعداد معدود شخصیت‌های آن هاست؛ روباهی گرگی را فریب می‌دهد تا به خوراک برسد، شیری از دست دوست انسان خود آزرده می‌شود و از او می‌خواهد تا با تبر سرش را شکاف دهد و...

ویژگی دیگر افسانه‌های تمثیلی، مربوط به گفت و گوی شخصیت هاست. در این افسانه‌ها، گفت و گو جایگاه بسیار نمایانی دارد. بخش قابل ملاحظه‌ای از موضوع‌های مطرح شده در افسانه، از طریق گفت و گو بیان می‌گردد. این ویژگی‌ها در افسانه‌های تمثیلی مکتوب، شکل نمایان‌تری دارد؛ به گونه‌ای که در برخی موارد «گفت و گو حتی جای عمل را می‌گیرد و حکایت خالی از حادثه است».<sup>۱۱</sup>

### شخصیت در افسانه‌های تمثیلی

همان گونه که پیش از این گفته شد، شخصیت‌های اصلی را در افسانه‌های تمثیلی، حیوانات تشکیل می‌دهند، اما در کنار حیوانات، گاه با انسان، گیاه و

استناد می‌کنند. برخی «حتی از این مرحله فراتر رفته و بر این عقیده‌اند که قدمت داستان‌های افسان‌های در ادبیات یونانی پیش ازوپ، در اشعار هزیود (حدود قرن هشتم قبل از میلاد) و پس از او در اشعار ستیو خورس (قرن ششم قبل از میلاد) وجود داشته است».<sup>۱۱</sup>

تعداد دیگری از پژوهشگران، سرزمین هند را خاستگاه اصلی این گونه ادبی می‌دانند. برخی مانند **تئودور بنفی**، نه فقط ریشه افسانه‌های تمثیلی، بلکه همه انواع افسانه‌های شفاهی را به هندوستان مربوط می‌کنند و استناد خود را کتاب جاتکه قرار می‌دهند.<sup>۱۲</sup> کتاب کتاسرت ساگر (دریای اسما) نیز کم و بیش در همین ردیف قرار می‌گیرد. وجود کتاب‌های فراوانی مانند کلیله و دمنه و طوطی نامه، دلیل دیگری است که از گسترش این گونه ادبی در هند نشان دارد.

برخی نیز مصر را منشأ این افسانه‌ها می‌دانند و به پاپیروسی استناد می‌کنند که داستان شیر و موش روی آن نوشته شده و مربوط به قرن ۱۲ پیش از میلاد است.<sup>۱۳</sup> نقل برخی افسانه‌های تمثیلی در تعدادی از کتاب‌های قدیمی و انتساب این داستان‌ها به پادشاهان ایران پیش از اسلام، باعث توجه پژوهشگران شده است. در این باره، به ویژه می‌توان به داستانی اشاره کرد که **هرودت** از زبان کوروش هخامنشی نقل کرده است.

مورد دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد، داستان فولکلوریک درخت آسوریک است. درخت آسوریک داستانی است با ساختاری نسبتاً دقیق که طی آن دو شخصیت غیر انسانی (بز و درخت خرما)، با زبان شعر مفاخره می‌کنند.<sup>۱۵</sup>

### ویژگی‌های افسانه‌های تمثیلی

اولین ویژگی افسانه‌های تمثیلی، کوتاه بودن آن‌ها

یک نکته دیگر اشاره شود. در برخی افسانه‌ها، شخصیت‌های حیوانی، پیش از آن که شکل تمثیلی داشته باشند، بازمانده‌ای از باورهای انسان‌های ابتدایی اند. در این موارد، می‌توان به بقایای آنی میسم و تونمیسیم در این گونه افسانه‌ها اشاره کرد.<sup>۱۷</sup> در افسانه‌های اقوام ابتدایی، این نشانه‌ها به شکل بارزتری به چشم می‌خورد، حتی امروزه نیز بقایای آن‌ها را در افسانه‌های ملل متمدن می‌توان مشاهده کرد.<sup>۱۸</sup>

### افسانه‌های تمثیلی و ادبیات مکتوب

تعامل ادبیات نوشتاری و شفاهی، موضوعی است که مورد توجه بسیاری از نویسندگان و پژوهشگران قرار گرفته و در این زمینه، مقاله‌های فراوانی نوشته شده است. اما آن چه در این جا مورد تأکید نگارنده قرار دارد، تعامل ادبیات نوشتاری و افسانه‌های تمثیلی است. از دیرباز، بسیاری از نویسندگان و شاعران ما برای بیان عقاید خود، از این گونه ادب شفاهی استفاده کرده‌اند. دکتر حسن جوادی، در مقاله طنز و انتقاد در داستان‌های حیوانات<sup>۱۹</sup> گزارشی مختصر و فشرده از حضور افسانه‌های تمثیلی در آثار شاعران پارسی زبان ارائه کرده است. اما واقعیت آن که مهم‌ترین آثار داستانی نثر ما، کتاب‌هایی است که موضوع آن‌ها را چنین افسانه‌هایی تشکیل می‌دهند. کلیله و دمنه و مرزبان نامه، معروف‌ترین این آثار هستند.

داستان آوردن کلیله و دمنه از هند، به وسیله برزویه طبیب، معروف‌تر از آن است که چیزی درباره آن گفته شود. این کتاب پس از ترجمه به زبان فارسی میانه، به سرعت معروف خاص و عام شد: «اگر منابع نهایی کلیله و دمنه می‌باید در هندوستان جست و جو گردد، نقطه فرود کتاب در خاور نزدیک، ایران است. متن فارسی میانه به نوبه خود، منبع اصلی ترجمه‌های بعدی کلیله و دمنه (در برابر پنجه تتره) به شمار

حتی اشیای بی‌جان نیز رو به رو می‌شویم. افسانه مار و ناسپاس (تیپ ۱۵۵)، انسان و شیر (تیپ ۱۵۹ b)، شاه تشنه لب و باز وفادار (تیپ ۱۷۸ c)، از نمونه‌هایی است که انسان در آن‌ها نقش و کارکرد ویژه دارد. حیوانات در افسانه‌های تمثیلی، کارکردی شبیه انسان‌ها دارند و به راحتی می‌توان آن‌ها را با تیپ‌های گوناگون انسان‌ها تطبیق داد. این موضوع نیز به ویژگی آموزشی و تمثیلی این افسانه‌ها مربوط می‌شود.

در میان افسانه‌های تمثیلی ایرانی، بیش‌ترین روایت‌ها به روباه اختصاص دارد. پس از آن گرگ، شیر و انواع مختلف پرندها جای دارند. نگارنده پنجاه افسانه را به صورت اتفاقی مورد بررسی قرار داد و در بیش از نیمی از آن‌ها، یعنی ۲۷ مورد روباه کارکرد برجسته و نمایانی داشته است. حضور سایر حیوانات، به ترتیب زیر بوده است:

گرگ: یازده مورد

شیر: ده مورد (در برخی روایت‌ها پلنگ به جای آن آمده است).

سگ: ۶ مورد

انواع پرند (شامل خروس، کلاغ و لک لک):

۹ مورد

نکته قابل توجه در شخصیت‌های حیوانی، این است که حیواناتی مانند اسب و کیوتر که در افسانه‌های سحرآمیز، در نقش عناصر و شخصیت‌های سحرآمیز حضور دارند، در افسانه‌های تمثیلی وجود ندارند و این نکته بسیار جالبی است که در پژوهش‌های افسانه‌های ایرانی باید مورد توجه قرار گیرد. به دلیل آن که نگارنده در قسمت‌های بعدی سلسله مقاله حاضر، قصد دارد به صورت تفصیلی به شخصیت‌ها و عناصر افسانه‌های ایرانی بپردازد، در این جا به همین مختصر اکتفا می‌کند.

پیش از پایان این قسمت از بحث، باید به

بن داوود کاتب است. بنا به گفته ابن الندیم، از این کتاب منتخباتی نیز به وسیله سهل بن هارون دشت میثانی و مرید الاسود تهیه شده بود که در دسترس مردم بود.<sup>۲۱</sup>

همین اقدامات، در ترویج داستان‌های کلیله و دمنه در میان عامه اعراب، تأثیرات بلاواسطه بر جای گذاشت. این بحث را در ارتباط با مرزبان نامه، البته با وسعتی بسیار کم‌تر نیز می‌توان ادامه داد که از آن در می‌گذریم. بحث خود را درباره سایر گونه‌های افسانه‌های شفاهی، در شماره بعد پی می‌گیریم.

### پی‌نوشت

۱- بخش‌های ۶-۱ این سلسله مقاله، در کتاب ماه کودک و نوجوان، شماره‌های ۹۶-۹۱ و قسمت هفتم آن، در شماره پیشین پژوهشنامه چاپ شده است. ذکر این نکته ضروری است که به رغم این که مجموعه به هم پیوسته است، هر قسمت آن استقلالی نسبی دارد.

۲- ر.ک: به رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی (تقی‌پور نامداریان)، حکایت‌های حیوانات در ادب فارسی (دکتر محمد تقوی)، واژه‌نامه هنر داستان نویسی (جمال میرصادقی)، افسانه‌های مردم فارسی زبان (روشن رحمانی)

۳- ر.ک: قسمت‌های ششم و هفتم این مقاله

۴- ر.ک: درباره ادبیات شفاهی، محمد جعفری (قنوتی)، کتاب ماه کودک و نوجوان

۵- داستان‌های بید پای، ترجمه محمد بن عبدالله بخاری، به تصحیح پرویز ناتل خانلری و محمد روشن، انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۱، ص ۳۸

۶- مرزبان‌نامه، سعدالدین وراوینی، مقابله و تصحیح و تحشیه محمد روشن، انتشارات اساطیر، ص ۱۰

۷- رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی، تقی‌پور نامداریان،

بر اساس تحقیقات تنودور بنفی و نولدکه، این کتاب در همان زمان از زبان فارسی میانه به سریانی ترجمه گردید. ابن مقفع نیز در قرن دوم هجری، آن را به عربی برگرداند و با این کار خود، کتاب را جاودانه ساخت. این ترجمه در نیمه اول قرن ششم هجری، به دست توانای ابوالمعالی نصرالله بن محمد بن عبد الحمید منشی، به فارسی برگردانده شد مقارن با همان زمان نیز ترجمه دیگری در آسیای صغیر، به دست محمد بن عبدالله بن بخاری، با عنوان داستان‌های بید پای صورت گرفت. اما پیش از این دو ترجمه، در زمان نصر بن احمد سامانی، کتاب توسط آدم الشعراء ابوعبدالله رودکی، به شعر فارسی برگردانده شد که متأسفانه قسمت ناچیزی از آن باقی مانده است. شاعران دیگری مانند نظامی و مولوی نیز تعداد قابل توجهی از داستان‌های کلیله را به نظم درآورده‌اند. تأثیر مولوی، به ویژه در گسترش این داستان‌ها و انتقال آن‌ها در افواه عمومی قابل توجه است.<sup>۲۲</sup> تعداد قابل توجهی از داستان‌های کلیله، امروزه جزئی از ادب شفاهی ما شده است که برای نمونه، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- داستان دوستی خاله خرسه

- داستان تقسیم عادلانه توسط گرگ برای شیر

- داستان میمون و لاک پشت

برخی از داستان‌های کلیله و دمنه، نه فقط به ادب شفاهی فارسی، بلکه به ادب شفاهی سایر مردمان منطقه نیز سرایت کرده است. بخشی از این تأثیر، به دلیل نفوذ فرهنگی ایران بوده و بخشی نیز از طریق زبان عربی انجام گرفته است. پس از ترجمه ابن مقفع، فرهنگ عربی به شدت تحت تأثیر این کتاب و شیوه قصه‌پردازی آن قرار گرفت. تعدادی از شاعران عرب آن را به شعر درآورده‌اند که معروف‌ترین آن‌ها، ابان بن عبد الحمید لاحقی و علی

- انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۶۷، ص ۱۱۲
- ۸- منبع پیشین، ص ۱۱۵
- ۹- حکایت‌های حیوانات در ادب فارسی، دکتر محمد تقوی، انتشارات روزنه ۱۳۷۶، ص ۱۳۳
- ۱۰- انوار سهیلی یا کلیله و دمنه کاشفی، مولی کمال‌الدین حسین بن علی بیهقی، مشهور به واعظ کاشانی، انتشارات امیرکبیر ۱۳۶۲، ص ۹
- ۱۱- حکایت‌های حیوانات در ...، ص ۱۳۷
- ۱۲- از وب: قصه‌پرداز یونانی، او برده‌ای بود که بعدها آزاد شد. برخی او را با لقمان حکیم یکی دانسته‌اند. بسیاری از داستان‌های اخلاقی به او منسوب است. (به نقل از دایره‌المعارف مصاحب)
- ۱۳- ادبیات تطبیقی، دکتر محمد غنیمی هلال، ترجمه دکتر سید مرتضی آیت‌الله زاده شیرازی، انتشارات امیرکبیر ۱۳۷۳، ص ۲۲۸.
- ۱۴- چآنکه مجموعه‌ای از ۵۴۷ داستان به زبان پالی، مربوط به ولادت‌های پیشین بود که آن را قدیمی‌ترین فولکلور جهان می‌دانند. در این داستان‌ها، هند کهن با بازارها، قافله‌ها، کشتزارها، اردوگاه‌ها و معبدها شرح داده شده است. (به نقل از دایره‌المعارف مصاحب)
- ۱۵- یکی از کتاب‌های مهم قصه، زبان سانسکریت است. منبع اصلی این کتاب، برهت‌کاتا (barhatkata) بوده که اکنون از میان رفته است. این کتاب یک بار در زمان سلطان زین‌العابدین (در گذشته ۸۷۵ م.ق)، پادشاه کشمیر، به فارسی ترجمه شد، اما به دلیل وجود لغات فراوانی عربی در آن ترجمه، بعدها به دستور اکبر شاه گورکانی، به دست مصطفی خالقداد عباسی، با عنوان دریای اسمار، مجدداً به فارسی ترجمه شد. همین ترجمه، به همت دکتر تاراچند و پرفسور امیرحسین عابدی، از ایران‌شناسان هند، تصحیح و در سال ۱۳۷۵، به همت رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در هند چاپ شد. نام کتاب
- دریای اسمار) زبینه‌ی محتوای آن است؛ زیرا یکی از گنجینه‌های مهم قصه‌های جهان است.
- ۱۶- ادبیات تطبیقی، ص ۲۲۹
- ۱۷- برای اطلاعات بیش‌تر در این باره ر.ک: پژوهش مردم‌شناختی در منظومه‌ی درخت اسوریک، مندرج در کتاب نموده‌های فرهنگی و اجتماعی در ادبیات فارسی، دکتر محمود روح‌لامینی، انتشارات آگه ۱۳۹۷
- ۱۸- حکایت‌های حیوانات، ص ۱۲۹
- ۱۹- برای دستیابی به اطلاعات جالبی در این باره ر.ک: شاخه‌ی زرین، جیمز جرج فریزر، ترجمه کاظم فیروزمند، انتشارات آگه ۱۳۸۳، فصل ۲۰
- ۲۰- برای آشنایی با حضور نمایان و برجسته‌ی این تفکرات در افسانه‌های اقوام ابتدایی ر.ک: زیباترین افسانه‌های جهان، اینگه دریکن / والتر شناپدر، ترجمه‌ی علی عبدالهی و سیامک گلشیری، نشر ثالث ۱۳۸۳. هم‌چنین، برای آشنایی با بقایای چنین تفکراتی در میان ملل متمدن ر.ک: افسانه‌ها و باورداشتهای مردم شناختی جانوران و گیاهان در گیلان، محمد بشرا.
- ۲۱- طنز و انتقاد در داستان‌های حیوانات، دکتر حسن جواد، مجله‌ی الفبا، شماره ۴، تیرماه ۱۳۵۳، به همت غلامحسین ساعدی
- ۲۲- برزویه طبیب و منشأ کلیله و دمنه، فرانسوا دیولوا، ترجمه‌ی مسعود صادقی، مندرج در فصلنامه فرهنگ مردم، شماره‌های ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۱، صفحات ۲۶ - ۲۷
- ۲۳- قصه‌های عامیانه در مثنوی مولوی، الیش مارزلف، ترجمه‌ی مسعود صادقی، مندرج در فصلنامه فرهنگ مردم، شماره‌های ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۱، صفحات ۲۶ - ۲۷
- ۲۴- الفهرست، محمدبن اسحاق بن ندیم، ترجمه‌ی محمدرضا تجدد، انتشارات اساطیر ۱۳۸۱، صفحات ۱۹۶، ۲۷۲ و ۵۴۲